

واکاوی محاصره اقتصادی و اجتماعی پیامبر اکرم و پیروانش در شعب ابی طالب

✍️ افتخار قاسم زاده^۱

doi 10.61186/HAS.2021.394

✍️ فاطمه احمدوند^۲

چکیده

یکی از مهم ترین تهدیدهای عصر نبوی ﷺ تحریم و محاصره اقتصادی و اجتماعی پیامبر ﷺ و پیروانش در شعب ابی طالب می باشد که مشرکان قریش برای از بین بردن اسلام و تسلیم کردن پیامبر اکرم ﷺ در مقابل خواسته های خود انجام داده بودند؛ اما با تدابیر و اتخاذ راهبردهایی به دست پیامبر اکرم ﷺ و صبر و استقامت ایشان و مسلمانان این محاصره نتیجه ای نداشت. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی تحلیلی و با اتکا به منابع کتابخانه ای و با بهره گیری از روایات و منابع تاریخی بر آن است تا به واکاوی این محاصره بپردازد. در این راستا ابتدا به ماهیت و اهداف محاصره اقتصادی و اجتماعی شعب ابی طالب به دست قریش اشاره شده و در نهایت زوایای این محاصره و سیره پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با این محاصره بررسی و واکاوی شده است.

واژگان کلیدی: محاصره اقتصادی و اجتماعی، پیامبر اکرم ﷺ، مسلمانان، بنی هاشم، شعب ابی طالب.

۱. کارشناس ارشد تاریخ و فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه

بین المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)، eftehargasemzadeh@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و فرهنگ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین المللی

امام خمینی (ره) قزوین، ahmadvand@isr.ikiu.ac.ir

با ظهور دین اسلام و آغاز دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشراف قریش، در ابتدای کار که هنوز دعوت علنی نشده بود، رویکردی منفی به این دعوت از خود نشان نمی دادند؛ اما چون در دوره دعوت علنی، با اسلام آوردن قشری از مردم مکه، خصوصاً شماری از فرزندان سران قریش و موالی و بردگان آن‌ها و در نتیجه تهدیدشدن نظام حاکم بر روابط اجتماعی و سیاسی مکه، اشراف قریش خیلی زود متوجه خطر اسلام برای منافع خود شدند و مدارا با اسلام را کنار گذاشتند و بلافاصله وارد عمل شدند و در مقابل دعوت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله ایستادند. در همین راستا، دست به اقداماتی، مانند تلاش برای انزوای اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله زدند؛ اما به دلیل بافت اجتماعی جامعه عربستان و تعصب و حمایت عشیره‌ای از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی توانستند برخورد مستقیم و سختی با ایشان داشته باشند و همین پیچیدگی و دشواری برخورد مستقیم با آن حضرت باعث شد تا سران اشراف مکه برای وصول به دو هدف، یعنی فراهم ساختن زمینه انزوای پیامبر صلی الله علیه و آله و مهیا ساختن زمینه اجتماعی برخورد مستقیم با وی به راه‌ها و روش‌های گوناگونی متوسل شوند که مهم‌ترین آن‌ها، مذاکره با حضرت ابوطالب و جلب نظر او، سیاست استهزا، تهمت به جنون و دیوانگی، تطمیع و اتخاذ سیاست‌های خشونت‌بار، مانند آزار و اذیت ایشان (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۲۴۹ تا ۲۶۹) است. همچنین سران قریش با مسلمانان و اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که از او پیروی می کردند به شدت دشمنی و مستضعفان را زندانی کرده و با زدن و گرسنه و تشنه نگه داشتن شکنجه می دادند. همچنین آنان را بر سنگ ریزه‌های داغ مکه، آن‌هم در گرم‌ترین زمان می خواباندند تا آنان را از دین خویش و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برگردانند (ابن هشام، ۱۳۹۲: ۳۷۹ تا ۴۲۱).

این سیاست‌ها با تدبیر و صبر و استقامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی پس از دیگری، ناکام مانده تا آنکه سران مشرک قریش مؤثرترین اقدام برای براندازی اسلام و ازین بردن استقامت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در تحریم همه‌جانبه آن حضرت و قبیله او پنداشتند. بنی هاشم به عنوان عشیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و خویشان نزدیک آن حضرت، به جز ابولهب و ابوسفیان، عموماً بر مبنای تعصب قبیله‌ای، با اینکه بخشی از آنان هنوز اسلام نیاورده بودند، حامی

رسول خدا ﷺ بودند. استکبار قریش تصور می کرد پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ به اعتبار این حمایت عشیره ای است که به دعوت خویش ادامه می دهد و از مقابله با آن ها باکی ندارد؛ لذا سران قریش همه عشیره آن حضرت (به جز ابولهب و ابوسفیان) را تحریم کردند؛ بدان امید که این تحریم و فشارهای آن موجب شود بنی هاشم طاقت نیاورد و از حمایت رسول خدا ﷺ بازپس نشیند و حضرت با ازدست دادن چنین پشتوانه ای، آن گونه که قریش می خواهد، وادار به تسلیم یا تغییر در عملکرد خود شود (رجبی دوانی، ۱۳۹۳: ۴).

وقتی مشرکان قریش دیدند مجموعه اقدامات آن ها در محدود کردن دعوت رسول خدا ﷺ مؤثر واقع نشد درصدد کشتن آن حضرت برآمدند (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵: ۲۷)؛ اما چون حمایت کامل و سرسختانه حضرت ابوطالب از ایشان را دیدند و دانستند که نمی توانند رسول خدا ﷺ را بکشند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۳۸۹ و ۳۹۰)، همان طور که دریافتند پیروان رسول خدا ﷺ در شهری دیگر با امنیت کامل استقرار یافتند و نجاشی نیز پناهندگان را تحت حمایت خود قرار داده است و از سوی دیگر کسانی، همچون حمزه مسلمان شده و اسلام میان قبایل روبه گسترش است، دست به تحریم همه جانبه اقتصادی و اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ و قبایل بنی هاشم و بنی عبدالمطلب زدند. هدف آن ها از این اقدام این بود که قبایل مذکور را وادار کنند که یا پیامبر ﷺ را تحویل دهند تا قریش بکشد یا ایشان از آیین خویش دست بردارد یا همگی از گرسنگی و خواری بمیرند، بدون اینکه مسئولیت این کار بر عهده شخص معینی باشد و بتوانند آنان را به جنگی ناخواسته وادار کنند که چه بسا هیچ کس نتواند نتایج و پیامدهای ناگوار آن را پیش بینی کند (مرتضی العاملی، ۱۳۸۴: ۳۶۵).

این پژوهش بر آن است با روش توصیفی تحلیلی به واکاوی محاصره اقتصادی و اجتماعی پیامبر اکرم ﷺ و پیروانش در شعب ابی طالب پردازد و در همین راستا درصدد پاسخ به این پرسش ها می باشد: ۱. مفاد تحریم اقتصادی و اجتماعی رسول خدا ﷺ و پیروانش چیست و چه عواملی باعث شده است تا مسلمانان در شعب ابی طالب اجتماع یابند؟ ۲. جایگاه این تحریم در سنت اجتماعی عرب چگونه می باشد؟ ۳. ابعاد و آثار این محاصره چیست؟ ۴. سیره پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با تحریم های اقتصادی و اجتماعی چگونه بوده است؟

۱. مفاد تحریم اقتصادی اجتماعی

قریش در خیف بنی کنانه، بیرون شهر، عهدنامه‌ای به خط منصور بن عکرمه و امضای هیئت عالی قریش نوشتند و در داخل کعبه آویزان و سوگند یاد کردند که ملت قریش تا دم مرگ، طبق مواد زیر رفتار کند:

ا. با آن‌ها، یعنی با بنی‌هاشم مطلقاً ازدواج نکنند؛ نه زن بدهند و نه زن بگیرند و هرکس وصلتی با محمد ﷺ دارد باید آن را قطع کند؛

ب. نه هم‌غذا شوند و نه در سفره‌ای کنار هم بنشینند یا شربت آبی با هم بخورند؛

ج. با آن‌ها مطلقاً خرید و فروش نکنند؛ نه بفروشند و نه بخرند؛

د. نه با آن‌ها تماس بگیرند و نه بگذارند کسی دیگر تماس بگیرد؛

ه. نه بگذارند خواربار و خشکبار و تره‌باری که از اطراف به شهر مکه آورده می‌شود (از یمامه گندم و حبوبات و از طائف میوه و تره‌بار) نگذارند کاروان، دانه‌ای از آن را به بنی‌هاشم بفروشند. اگر بی‌خبر و بی‌اجازه فروختند یا خریدند، بقیه آن کالاها به تاراج برود. هرکس وصلتی با محمد ﷺ دارد، باید وصلت را به هم بزند تا بنی‌هاشم، محمد ﷺ را و ابگذار و بعد آن‌ها او را بکشند یا بنی‌هاشم از گرسنگی بمیرند.

در اول محرم سال هفتم بعثت، قریش پیامبر ﷺ و مسلمانان را در شعب ابی‌طالب تحت محاصره قرار دادند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۱۴).

۲. علل اجتماع مسلمانان در شعب ابی‌طالب

شهر مکه، شهری است با کوه‌های فراوان و فراگیر که در لابه‌لای آن‌ها دامنه‌ها و وادی‌های کوچکی است که عرب به آن شعب می‌گویند (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۵۸). دو علت برای اجتماع مسلمانان در شعب ذکر کرده‌اند که یکی از اختیاری بودن آن حکایت می‌کند و دیگری از اجباری بودن آن. اولی، پیمان‌نامهٔ مشرکان علیه پیامبر اکرم ﷺ که به‌موجب آن پیامبر اکرم ﷺ به شعب ابی‌طالب تبعید شدند؛ اما دومی حفظ پیامبر اکرم ﷺ از قتل که به‌موجب آن ابوطالب، چون از قتل ایشان بیمناک بود، آن حضرت را

به شعب آورد و از جان ایشان مراقبت می کرد؛ اما با توجه به شواهد و قراین به نظر می رسد نظر دوم درست تر باشد.

به گزارش برخی منابع، در پی امضای پیمان نامه قریش، پیامبر ﷺ و بنی هاشم و بنی عبدالمطلب در شب اول سال هفتم بعثت، از مکه به شعب ابی طالب منتقل شدند و در آنجا مستقر شدند. بر اساس بیشتر منابع، پس از امضای پیمان نامه، در شرایطی که احتمال خطر برای پیامبر اکرم ﷺ وجود داشت، ابوطالب، بنی هاشم و از جمله حضرت رسول ﷺ را به شعب انتقال داد و بنی عبدالمطلب نیز در آنجا حضور یافتند. بعضی از منابع هم گزارش کرده اند که علت انتقال و استقرار بنی هاشم در شعب، فشار قریش و دستور اخراج ایشان از سوی امضاکنندگان پیمان نامه بود. انعکاس اخراج بنی هاشم از مکه در برخی منابع و نبود آن گزارش در تمام منابع اصلی، این گزارش را سست می کند؛ به خصوص آنکه:

اولاً فاصله شعب با مکه و تعلق آن به ابوطالب با معنای اخراج انطباق ندارد؛

ثانیاً در صورتی که قریش چنین قدرت و تسلطی بر بنی هاشم داشتند، چرا یک باره خود را از معضل پیامبر ﷺ خلاص نکردند یا بنی هاشم را برای تحویل آن حضرت زیر فشار شدیدتری قرار ندادند. حداقل آنکه اگر قریش توانایی اخراج بنی هاشم از مکه را داشتند، چرا باید آنان را به جایی در بناگوش مکه کوچ دهند؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت که حداکثر توانایی قریش در مجازات بنی هاشم همان بود که اجرا شد، یعنی امضای پیمان نامه ای برای قطع مراودات اقتصادی و خویشاوندی (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۲۷۹ و ۲۸۰)؛

ثالثاً در متن پیمان قریش، مسئله محاصره جغرافیایی نیامده است؛

رابعاً شاید این دلیل مطرح باشد که آنان چاره ای جز رفتن به داخل شعب نداشتند؛ زیرا پس از آن پیمان نمی توانستند با کسی مراوده داشته باشند؛

خامساً دلیل مهم تر، مسئله دفاع از جان رسول خدا ﷺ است. در ادامه، گزارش بیهقی و نیز عروه بن زبیر آمده است که ابوطالب در شب رسول خدا ﷺ را در بستر خود می خوابانید. در وقت خواب خود نیز، کسانی از بنی هاشم را در بستر رسول خدا ﷺ

می‌خواستند و آن حضرت را به بستر آنان می‌فرستاد. این اقدامات، این امر را تأیید می‌کند که قریش متهم به قتل آن حضرت بوده‌اند. گزارش بلاذری و نیز روایت عروه بن زبیر، همانند خبر دلایلی النبوه از قطان، حکایت از توطئه کشتن رسول خدا ﷺ دارد. در خبر این دو آمده است: «وقتی ابوطالب اصرار آنان را در قتل آن حضرت دید، بر جان حضرت ترسید و به دنبال آن، بنی‌هاشم را به شعب برد.» (جعفریان، ۱۳۸۳: ۳۵۸ و ۳۵۹).

۳. جایگاه تحریم اقتصادی اجتماعی در سنت اجتماعی عرب

اعراب جاهلی برای نسب اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل بودند و در حفظ آن تلاش فراوانی داشتند و اساس اصلی پیوندهای فردی و اجتماعی خود را بر مبنای خون مشترک و نسب واحد تفسیر می‌کردند. این سنت موجب افزایش قدرت دفاعی قبیله و حفظ آن در محیطی که سراسر خشونت بود می‌گردید (آلوسی، بی‌تا: ج ۳، ۱۸۲). برای افراد قبیله محرز بود که در صورت شکسته شدن حرمت فرد وابسته به قبیله، به خصوص وابسته نسبی، حرمت و حریم دفاعی تمام افراد مخدوش می‌شود و این افراد انگیزه دفاع و تعصب خود را از دست می‌دهند و این، مرگ مجموع قبیله را به دنبال می‌آورد. «طرید» یا فردی که از وابستگی به قبیله، آن‌هم مطابق قوانین طرد، خارج می‌شد، تنها استثنایی بود که در مدافعه همه‌جانبه و کامل قبیله از افراد وجود داشت. تعصب نسبی قبیله به تمام افراد وابسته، همواره تعصبی کور و عاری از معرفت و توجه به مصالح عالی نبود و هنگامی که اصل حیات قبیله از جانب یک فرد در معرض خطر جدی قرار می‌گرفت، تدبیری اندیشیده و راهی پیدا می‌کرد که نه حرمت فرد و قبیله مخدوش شود و نه با اصرار و تعصب کور در دفاع از فردی که کنش خاص وی حیات قبیله را در معرض خطر یا تهدید یا نابودی جدی قرار داده است، قبیله دچار خطر و آسیب یا احیاناً گرفتار نابودی گردد. عقل و شعور طبیعی عرب جاهلی برای حل این موضوع تدبیری اندیشیده بود که یکی از آن‌ها، همان «خلع» یا «طرد» بود (طوسی، ۱۴۰۰: ج ۲، ۶۴؛ ابن منظور، بی‌تا: ج ۸، ۷۷؛ الزبیدی، ۱۳۰۶: ج ۵، ۳۲۲). به موجب این سنت، قبیله موظف بود تا رسماً اعلام دارد که فرد خاص، «خلیع» یا «طرید» است. بدیهی است قبل از این اعلام رسمی، فرد مذکور از همه حقوق قبیله‌ای برخوردار بود و مورد حمایت همه‌جانبه نیز قرار می‌گرفت. عرب‌ها خصوصاً مکیان، گاه به جای اعلام خلع فرد وابسته به یک قبیله، سندی تنظیم می‌کردند و آن سند را نزد خود

حفظ کرده یا از جایی آویزان می کردند. تنظیم صحیفه معروف قریش بر ضد پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان مکه که سبب شد سه سال در شعب ابی طالب محصور و منزوی زندگی کنند، به پیروی از همین سنت خلع و طرد انجام گرفت. بدیهی است در آن شرایط، زمانی قریش به دلیل ناهماهنگی خود و قدرت بنی هاشم نمی توانست از قاعده خلع به زیان مسلمانان، به شکل کامل استفاده کند؛ چون قدرت مسلمانان و قریش بنی هاشم که ریشه دارترین و اصیل ترین آن هاست باعث محدودیت دامنه خلع و طرد می شد و قلمروی اعتبار فزونی می گرفت (زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۱۶۵ و ۱۶۶).

۴. ابعاد و آثار محاصره اقتصادی اجتماعی

بعد از امضای عهدنامه به دست سران مشرک مکه، بر مبنای آن، هرگونه دادوستد و مراوده، شامل ازدواج و خریدوفروش با بنی هاشم و بنی عبدالمطلب ممنوع گشت و باعث شد خویشاوندان رسول خدا ﷺ، با وجود دارا بودن سرمایه و ثروت، قادر به تأمین نیازهای خود نباشند و فشارهای سنگینی را متحمل شوند. قریش این تحریم همه جانبه را از طرف خود و ساکنان مکه بر ضد رسول خدا ﷺ و عشیره آن حضرت وضع کرده بود و برای کسانی که قصد داشتند تحریم ها را بشکنند و به آنان کمک برسانند مجازات هایی در نظر گرفته بود. مستکبران قریش نمی توانستند اجرای این تحریم ها را از دیگر قبایل عرب انتظار داشته باشند؛ با این حال، برای ممانعت از معاملات اقتصادی بنی هاشم، تدابیری اندیشیده بودند. تحریم بنی هاشم در شعب ابی طالب، موجب شده بود که رسول خدا ﷺ و عشیره او، در صورت بیرون آمدن از شعب، در معرض تهدیدهای امنیتی و قتل واقع شوند. تنها در دو ماه رجب و ذی الحجه که ماه حرام و موسم عمره گذاری بود، آن حضرت ﷺ و بنی هاشم از امنیت برخوردار بودند و می توانستند از شعب خارج شوند و به مکه درآیند و حتی رسول خدا ﷺ می توانست دعوت خویش را به زائران عرضه کند و بنی هاشم نیز با زائران و بازرگانان قبایل دیگر، معاملات و تبادلات اقتصادی و تجاری داشته باشند.

سختی کار و فشار این امر بر مسلمانان، در نامه امیرالمؤمنین خطاب به معاویه این طور آمده است:

«پس مردم ما، قریش، خواستند پیامبران ﷺ را بکشند و ریشه ما ببرکنند و درباره ما

اندیشه‌ها کردند و کارها رانده‌اند. از زندگی گوارایمان بازداشتند و در بیم و نگرانی گذاشتند و ناچارمان کردند تا به کوهی دشوار برشویم و آتش جنگ را برای ما برفروختند؛ اما خدا خواست تا ما پاسدار شریعتش باشیم و نگاهدار حرمتش. مؤمن ما از این کار خواهان مزد الهی بود و کافر ما از تبار خویش حمایت می‌نمود.» (نهج البلاغه، صبحی صالح. نامه ۹).

حال با تکیه بر اسناد و شواهد تاریخی، به برخی ابعاد و آثار تحریم اقتصادی اجتماعی قریش علیه بنی‌هاشم می‌پردازیم:

۴.۱. ممانعت از خرید و فروش

قریش به طرق و اسباب مختلفی، نظیر تهدید بازرگانان مکه و گران خریدن کالاها از آن‌ها و تعقیب و نظارت کسانی که با آن‌ها مبادله می‌کردند، مانع از خرید و فروش و مبادلات مسلمانان می‌شدند. در گزارش قمی آمده است که:

«هیچ کس از اهل مکه با ایشان نیروی فروختن و خریدن نداشت؛ جز اوقات حج که جنگ حرام بود و قبایل عرب در مکه حاضر می‌شدند. ایشان نیز از شعب بیرون شده و چیزهای خوردنی از عرب می‌خریدند و به شعب می‌بردند و این را قریش روا نمی‌دانستند و چون آماده می‌شدند که یکی از بنی‌هاشم چیزی می‌خواهد بخرد، بهای آن را گران می‌کردند و خود می‌خریدند و اگر آگاه می‌شدند که کسی از قریش، به سبب قرابت یکی از بنی‌عبدالطلب، از اشیاء خوردنی چیزی به شعب فرستاده، او را مورد اذیت و آزار قرار می‌دادند و اگر از مردم شعب کسی بیرون می‌شد و بر او دست می‌یافتند او را عذاب و شکنجه می‌کردند.» (قمی، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

در جای دیگر آمده است که مردم مکه از سوی قریش تهدید می‌شدند که اگر کسی در مکه چیزی به بنی‌هاشم بفروشد، اموالش غارت می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۱۹، ۱). همچنین در گزارش بیهقی آمده است که دست مسلمانان از بازارها قطع شده و خود مشرکان دست به خرید کالاها می‌زدند یا به کسانی غیر از مسلمانان می‌فروختند (بیهقی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۱۲).

قریش علاوه بر ممانعت از خرید و فروش کالاها به مسلمانان، به طرق مختلف مانع از رسیدن غذا به محاصران در شعب می شدند. ابن سعد در این مورد، علاوه بر اشاره به ممانعت قریش از رسیدن خواربار به بنی هاشم، به سختی کار و گرسنگی محاصران در این مدت اشاره می کند (کاتب واقدی، ۱۳۷۴: ۱۹۶). در گزارش بیهقی نیز آمده است که بنی هاشم سه سال در این تلاش خود باقی بودند و سخت گرفتار. بازارها به روی ایشان بسته بود و هر آذوقه که به مکه می رسید مشرکان آن را می خریدند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۶). طبرسی به نقل از فراء در تفسیر مجمع البیان، در تفسیر آیات مبارکه ششم و هفتم سوره فصلت که خداوند می فرماید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُم إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا لَهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (سوره فصلت، آیات ۶ و ۷)^۱ نقل می کند که مقصود از منع زکات به دست مشرکان در این آیه این است که قریش به حاجیان غذا و آب می دادند؛ ولی آن را بر کسانی که به محمد ﷺ ایمان می آوردند تحریم کرده بودند و این به منزله زکات در این موضع بود (طبرسی، ۱۳۶۰: ۹، ۶۴). در نقل های دیگری آمده است که قریش «قطعوا عنهم المأدَّة والعیمرة»؛ یعنی راه ورود طعام و آب را بر روی آنان می بستند (بلاذری، ۱۴۱۷: ۱، ۳۳۴).

همچنین در گزارش ابن هشام آمده است که جاسوسان قریش، در تمام راه، مراقب بودند که مبادا کسی خوارباری به شعب ابی طالب برسد؛ ولی با این کنترل کامل، گاه گاهی، حکیم بن حزام، برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام و ابوالعاص بن ربیع و هشام بن عمر نیمه شبها مقداری گندم و خرما بر شتری حمل کرده و تا نزدیکی شعب می آوردند. سپس افسار آن را دور گردنش می پیچیدند و رها می کردند و گاهی همین مساعدت، موجب گرفتاری آنان می شد. روزی ابو جهل دید حکیم مقداری خواربار بر شتری حمل کرده و راه دره را پیش گرفته است. وی سخت برآشفته و گفت: باید تو را پیش قریش

۱. «بگو: من فقط یک انسانم، مانند شما که به من وحی شده است که معبود شما یگانه است، به او روی آورید

و از او طلب آموزش کنید. وای بر مشرکان! آنان که زکات نمی دهند و به آخرت ایمان ندارند.»

بیرم و رسوا کنم. کشمکش آن‌ها به طول انجامید. ابوالبختری که از دشمنان اسلام بود، عمل ابوجهل را تقبیح کرد و گفت: وی غذا برای عمه خود، خدیجه علیها السلام، می‌برد. تو حق ممانعت نداری. حتی به این جمله هم اکتفا نکرد و او را لگدمال کرد (ابن هشام، ۱۳۹۲: ج ۱، ۳۴۳). در گزارش بلاذری نیز آمده است که یک بار که عباس برای خریدن طعام از شعب بیرون آمد ابوجهل قصد او را کرد؛ اما خداوند او را نجات داد (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱، ۳۳۵). در آن زمان، عباس مسلمان نبود و تنها به دلیل حمایت خانوادگی از رسول خدا صلی الله علیه و آله، همانند برخی دیگر از بنی هاشم، در شعب وارد شده بود.

۳،۴. پایین آوردن قدرت خرید مسلمانان

در تمام این سه سال، فقط در ماه‌های حرام که امنیت کامل در سرتاسر شبه جزیره حکم فرما بود بنی هاشم از شعب بیرون آمده و دادوستد مختصری داشتند، سپس به داخل دره می‌رفتند. عمال سران قریش، در همین ماه‌ها با آزارشان، فشار اقتصادی آنان را به گونه‌ای رقم می‌زدند؛ زیرا غالباً بر سر بساطها حاضر می‌شدند و هر موقع مسلمان‌ها می‌خواستند چیزی بخرند، فوراً آن را به قیمت گران‌تری می‌خریدند و از این راه قدرت خرید را از آنان سلب می‌کردند. در این میان، ابولهب پافشاری بیشتری می‌کرد. او در میان بازار فریاد می‌کشید و می‌گفت: مردم! قیمت اجناس را بالا ببرید تا از پیروان محمد صلی الله علیه و آله قدرت خرید را سلب کند و برای تثبیت قیمت، اجناس را گران‌تر خریداری می‌کرد. از این رو، همیشه عقربه ارزش در یک افق بالاتری گردش می‌کرد. در گزارش بیهقی آمده است که آنان، هر نوع طعمی که از ناحیه مسافران در بازارهای مکه عرضه می‌شد با سرعت هرچه بیشتر می‌خریدند تا مانع از رسیدن آن به دست بنی هاشم شوند (بیهقی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۱۲).

۴،۴. گرسنگی و سختی کار

تحریم اقتصادی اجتماعی مشرکان که ابعاد فوق، یعنی ممانعت از خرید و فروش و رسیدن غذا به مسلمانان را از طرق مختلف، نظیر پایین آوردن قدرت خرید مسلمانان و تهدید بازرگانان به نفروختن غذا را شامل می‌شد، به ناچار موجب سختی کار برای

مسلمانان و نیز ایجاد گرسنگی در میان اعضای حاضر در شعب ابی طالب می شد که نگاه به مجموع گزارش های تاریخی می تواند به فهم آثار آن بیشتر کمک کند.

در نقل های تاریخی آمده است که مسلمانان مدت دوسه سال به آن حال ماندند و هیچ چیز، مگر در نهان، به آن ها نمی رسید و سخت می زیستند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۸) و قریش به مسلمانان بسیار سخت می گرفتند و آن ها را به بند و زنجیر می کشیدند؛ در نتیجه کار بر مسلمانان دشوار شد و گرفتاری بزرگ پیش آمد و مسلمانان در تزلزل شدید افتادند (بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۸). همچنین قریش مراقبانی گماشته بود تا هیچ کس نتواند برای محاصره شدگان غذایی ببرد. محاصره شدگان از اموال خدیجه و ابوطالب مصرف می کردند تا این که تمام شد؛ از این رو به ناچار از برگ درختان استفاده می کردند. کودکان در فشار گرسنگی ناله می کردند و مشرکان صدایشان را از آن سوی شعب می شنیدند و برای همدیگر بازگو می کردند. بلاذری و ابن سعد گویند که فرزندان آنان در شعب به قدری دچار سختی بودند که صدای ناله آنان از بیرون شعب شنیده می شد (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۱، ۲۳۴؛ ابن سعد، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۰۹). همچنین وضعیت به حدی رسید که در برخی نقل ها آمده است که تعدادی از محاصره شدگان از گرسنگی جان باختند (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۵۰۵).

۵. پایان یافتن محاصره شعب ابی طالب و دلایل آن

در زمینه علت پایان یافتن محاصره شعب ابی طالب و نقض عهدنامه قریش، دو گزارش تاریخی وجود دارد. در گزارش اولی، علت نقض عهدنامه را اطلاع پیامبر اکرم ﷺ از خورده شدن عهدنامه به وسیله موریانه و در گزارش دومی، پیشگامی جناح ابوالبختری قریش برای نقض عهدنامه به علت های عاطفی یا عدم کارکرد ادامه محاصره شعب برای مشرکان قریشی را بیان کرده اند. حال ابتدا به شرح گزارش نخست می پردازیم و سپس این دو گزارش را در پیوند با یکدیگر بررسی می کنیم.

ابن هشام اطلاع دادن پیامبر اکرم ﷺ از خورده شدن عهدنامه به وسیله موریانه را سبب نقض آن به دست قریش نقل می کند (ابن هشام، ۱۳۷۵: ج ۱، ۲۴۱)؛ اما می توان گزارش اول و خبر غیبی رسول خدا ﷺ را در پیوند با گزارش دوم دید. به این صورت که خبر غیبی حضرت رسول ﷺ مقدمه ای برای سرعت دادن به تصمیم جناح ابوالبختری، جناح مخالف ابوجهل، شد که ادامه حضور بنی هاشم در شعب را به زیان اشرافیت قریش و به سود

پیامبر ﷺ تفسیر می کرد. به موجب گزارش دوم، پس از سه سال مقاومت بنی هاشم، در حالی که مکیان در میان شهرنشینان و بدویان حجاز، تحت سرزنش قرار داشتند و از سویی زمینه های ذهنی را نیز به شدت به نفع بنی هاشم و بر ضد خویش می یافتند، بر آن شدند تا با نقض عهدنامه به ماجرا پایان دهند. نوشته اند که با پیشگامی هشام بن عمرو بن ربیع بن حارث و زهیر بن ابی امیه، در یکی از شب ها، انجمنی مرکب از افراد یادشده و مطعم بن عدی و ابوالبختری عاص بن هشام و زمعه بن اسود بن مطلب در کوه حجون، در کنار مکه، تشکیل دادند و پس از گفتگو و ارزیابی نتایج پیمان نامه تصمیم به نقض آن و تحمیل آن به مخالفان گرفتند (ابن هشام، ۱۳۹۲: ج ۱، ۳۷: ابن سعد، ۱۳۷۴: ج ۱، ۳۱۰؛ بیهقی، ۱۳۶۱: ج ۲، ۳۱۴). اجتماع شبانه در کوه های بیرون و نه در خانه یکی از افراد مزبور، آشکارا حکایت از دسته بندی پنهانی و شکاف جدی میان دو جناح اشراف مکه دارد.

شاید بتوان یکی از ریشه های تلاش برای نقض پیمان نامه قریش بر ضد مسلمانان را، تردید ایشان به کارکرد مثبت آن برای منافع اشرافیت مکه دانست. به عبارت روشن تر، اینان برخلاف جریان طرفدار استمرار فشار اقتصادی اجتماعی بر بنی هاشم که ابوجهل برجسته ترین نماینده آنان بود، عقیده داشتند که ادامه محاصره بنی هاشم به سود مسلمانان است و نه زیان ایشان و به همین دلیل، ضمن نقض پیمان نامه، دشمنی ریشه ای خویش را تا لحظه مرگ ادامه دادند. طرفداران ضرورت نقض پیمان نامه، با بهره گیری از زمینه های مطلوب ذهنی مردم عادی مکه که در میان ایشان خویشاوندان و طرفداران بنی هاشم و مسلمانان اندک نبود، مسلحانه به سوی شعب رفتند و بنی هاشم را به ترک آنجا فراخواندند؛ چون روز بعد از تصمیم خویش با دیگر اشراف مکه سخن گفتند و آنان را همچنان مخالف خویش دیدند. جناح ابوجهل که طبعاً در مقابل این جناح از قدرت کمتری برخوردار بود ناگزیر تسلیم شد و به نقض صحیفه گردن نهاد. تاریخ این حادثه را نیمه رجب سال دهم بعثت نوشته اند (ابن سعد، ۱۳۷۴: ج ۱، ۲۱۰؛ زرگری نژاد، ۱۳۸۴: ۲۸۶ و ۲۸۷).

۶. سیره پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با تحریم های اقتصادی اجتماعی

پیامبر اکرم ﷺ در مقابله با تحریم اقتصادی اجتماعی شعب ابی طالب راهبردهایی اتخاذ کردند که از بررسی سیره ایشان، برخی از این مقوله ها را چنین می توان تبیین کرد:

۱،۶. انجام فریضة انفاق و زکات

یکی از راهبردهای ایشان، ایجاد زمینه اخلاقی و چهارچوب حقوقی و تکلیفی، جهت انجام فریضة انفاق به معنای عام بود. این کار با نزول آیات زکات به صورت نامحدود و نیز آیاتی که مشوق انفاق بود صورت می گرفت. نتیجه این راهبرد، این بود که یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خود ایشان، برخی هزینه‌هایی که بر اثر تحریم بر معیشت مسلمانان حاضر در شعب وارد می شد را با انجام انفاق واجب و مستحب جبران می کردند.

۲،۶. دورزدن محاصره اقتصادی و نقض مخفیانه تحریم‌ها

راهبرد دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دورزدن محاصره اقتصادی و نقض مخفیانه و غیررسمی تحریم‌ها در شب بوده است. طبق شواهد تاریخی برخی از غیر مسلمانان که موافق تحریم بنی‌هاشم نبودند، مخفیانه آذوقه و خواربار به محاصره‌شدگان در شعب می‌رساندند. همچنین در گزارشی آمده است که حضرت علی علیه السلام مخفیانه کمک‌هایی را به داخل شعب ابی طالب می‌آوردند.

۳،۶. دعوت به صبر و استقامت

راهبرد دیگر، صبر و استقامت و دعوت به پایداری بوده است. در ایام محاصره شعب ابی طالب، با نزول آیاتی با یادآوری ابتلائات امت‌های گذشته در برابر مصائب دنیوی، امت پیامبر صلی الله علیه و آله را دعوت به مقاومت و توکل و پایداری می کرده است. همچنین صبر و پایداری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اسوه برای مسلمانان در مقابل نقشه‌ها و توطئه‌ها و اذیت و آزارهای قریش باعث شد تا این فرهنگ در میان مسلمانان نهادینه شود و شواهد تاریخی، برخی از آثار و نتایج و نموده‌های بیرونی این صبر و استقامت را نشان می‌دهد. یکی از این شواهد نشان می‌دهد که چگونه حاضران در شعب به حداقل امکانات قناعت کرده و در مقابل سختی و گرسنگی در شرایط شعب ابی طالب مقاومت می‌کردند. همچنین حضرت ابوطالب که حامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود در شرایط سخت و بحرانی، همچنان به حمایت خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ادامه می‌داد و با سرودن اشعاری در شرایط تحریم، ضمن اعلام تداوم حمایت خود از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ناکام ماندن نقشه دشمنان در تحریم اقتصادی اجتماعی، اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز دعوت به صبر و مقاومت

می کرده است. همچنین حضرت علی علیه السلام نیز در این شرایط، ضمن اعلام وفاداری خویش، بر صبر و استقامت در راه حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید می کرده اند.

یکی از مهم ترین عوامل فروپاشی عهدنامه و پایان محاصره شعب ابی طالب، صبر و مقاومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران ایشان در مقابل شرایط سخت و بحرانی شعب ابی طالب بوده است. با تداوم تحریم ها و هزینه های اقتصادی و اجتماعی که قریش برای ادامه یافتن تحریم ها متحمل می شد میان سران قریش اختلافاتی برای تداوم تحریم ها ایجاد شد؛ به گونه ای که اولاً به دلیل اینکه قریش از خرید و فروش کالاها به دست مسلمانان جلوگیری می کرد، اجناس و کالاها را با قیمت های بالاتری می فروختند و این کار باعث می شد تراز مالی زیادی از مکان خارج شود و قریش هزینه های اقتصادی زیادی را متحمل شود و ثانیاً تداوم تحریم ها، هزینه اجتماعی و عاطفی بسیاری نیز برای سران قریش در بر داشت؛ به گونه ای که برخی از قبایل، به دلیل نسبت خویشاوندی با حاضران در شعب و نیز اوضاع سخت و ناگوار آنان، رضایت به تداوم تحریم ها نداشتند. همچنین برخی از تحلیل ها حاکی از این امر است که علت اختلاف میان سران قریش در تداوم تحریم ها، عدم کارکرد تحریم برای آنان و نیز نفع داشتن تداوم تحریم برای مسلمانان بوده است. همچنین یکی دیگر از عواملی که موجب پایان بخشیدن به عهدنامه قریش درباره تحریم اقتصادی اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شد، امداد غیبی و خبر دادن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از خورده شدن عهدنامه به وسیله موریانه بود و این امداد غیبی حاصل صبر و استقامت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران ایشان در شرایط شعب ابی طالب بوده است؛ چرا که یکی از سنت های الهی، نصرت الهی است و از عوامل زمینه ساز این نصرت الهی، استقامت و پایداری مؤمنان در راه تثبیت آیین الهی است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: ﴿بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل عمران، ۲۵)^۱

همچنین خداوند در آیه ۳۰ سورة فصلت می فرماید:

۱. «آری، امروز هم اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به

پنج هزار نفر از فرشتگان نشان دار، عدد خواهد داد!»

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾^۱

در این آیات یکی از شرایط برخورداری از امدادهای غیبی ذکر شده است و آن، همان صبر و استقامت در راه تثبیت دین خداست. به بیانی دیگر، می‌توان گفت که استقامت و تحکیم گام‌های مجاهدان در راه خدا نیز، از مصادیق امدادهای غیبی است. در آیه کریمه ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِثْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۷) ابتدا یاری کردن مؤمنانی که دین خدا را یاری می‌کنند، به صورت عمومی مطرح می‌کند و پس از آن، به مورد ویژه‌ای از این کمک‌ها می‌پردازد که همان تحکیم قدم‌های اهل جهاد است و از ابزارهای مهم پیروزی‌بخش، ایستادگی در برابر دشمن و به تعبیر قرآن، ثبات قدم یا تحکیم گام‌های رزمندگان است و ثبات قدم نتیجه‌دمیده شدن روح مقاومت در انسان و از مهم‌ترین اسرار توفیق و پیروزی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۱، ۴۲۶). مؤلف المیزان نیز تحکیم گام‌های مجاهدان را از آشکارترین مصادیق امدادهای غیبی در میدان جنگ و جهاد نامیده و کنایه از دمیده شدن روح شجاعت و تقویت قلب‌های اهل جهاد می‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۲۲۹).

۴،۶. استفاده از فرصت‌ها و تبدیل تهدید به فرصت

راهبرد دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شرایط شعب ابی طالب، استفاده از فرصت‌ها و تبدیل تهدید به فرصت بوده است. این فرصت‌ها را می‌توان به فرصت‌های درونی و بیرونی تقسیم کرد. در بُعد فرصت‌های بیرونی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ایام شعب، در فرصت ماه‌های حرام و ایام حج که امکان حضور در بیرون از شعب و مراوده با دیگران را داشته‌اند، با تداوم دعوت اسلام و تبلیغ آن، زمینه‌سازی انتخاب مکانی برای هجرت مسلمانان و استقرار در آن را، با پیمان عقبه اول و دوم و فرستادن مبلغ اسلام به مدینه فراهم می‌کردند. در بُعد فرصت‌های درونی، استقرار مسلمانان در شعب ابی طالب، به همراه حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نزول سوره‌های قرآن، فرصتی را برای تعمیق باورهای دینی و تربیت دینی مسلمانان فراهم

۱. «به یقین کسانی که گفتند: "پروردگار ما خداوند یگانه است، سپس استقامت کردند." فرشتگان بر آنان نازل

می‌شوند که: "تترسید و غمگین م باشید و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده می‌شود."»

می‌کرد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این فرصت استفاده کردند؛ بنابراین تهدید ایجادشده را به فرصتی برای تمرین پایداری و صبر و نیز تعمیق باورهای دینی برای مسلمانان تبدیل کردند.

۵،۶. استفاده از مزیت‌های جغرافیایی شعب ابی‌طالب

راهبرد دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابله با محاصره اقتصادی اجتماعی شعب ابی‌طالب، استقرار در محل شعب ابی‌طالب و استفاده از مزیت‌های جغرافیایی این مکان بوده است. برخی شواهد نشان می‌دهد که حضور مسلمانان تحریم‌شده در شعب ابی‌طالب، کارکردها و نتایج مثبتی برای مسلمانان داشته است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این شواهد مطلع بوده‌اند و رضایت به استقرار در شعب ابی‌طالب داده‌اند. این کارکردها عبارت‌اند از: افزایش انسجام و همبستگی میان حاضران در شعب، مراقبت دائمی از جان پیامبر صلی الله علیه و آله، ایجاد احساس هم‌دردی مشترک و هم‌بستگی اجتماعی در مقابله با فشار روانی قریش، تحریک عواطف قبایل وابسته به بنی‌هاشم علیه مشرکان قریش و همراهی نکردن برای تداوم تحریم‌ها و تمرین و تجربه صبر و پایداری برای مؤمنان.

نتیجه‌گیری

در مجموع، بر اساس آنچه ارائه شد می‌توان نتیجه گرفت که مشرکان قریش برای از بین بردن اسلام و تسلیم کردن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل خواسته‌های خود، اقدام به نقشه‌ها و توطئه‌های فراوانی کردند؛ اما با تدابیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صبر و استقامت ایشان و مسلمانان، این توطئه‌ها یکی پس از دیگری خنثی می‌شد؛ تا اینکه سران قریش اقدام به توطئه‌ای دیگر جهت تسلیم کردن پیامبر صلی الله علیه و آله کردند و آن تحریم اقتصادی اجتماعی بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب بود و قطعنامه‌ای در این زمینه صادر و آن را در خانه کعبه آویزان کردند. به موجب این قطعنامه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خویشاوندان ایشان، از هرگونه معامله و خرید و فروش، ازدواج و ارتباط و معاشرت محروم شدند و سران قریش با اقداماتی، نظیر نظارت بر اجرای تحریم‌ها و پایین آوردن قدرت خرید مسلمانان و ممانعت از رسیدن آذوقه و کالا به شعب ابی‌طالب، شرایط سختی را برای مسلمانان ایجاد کردند. در این شرایط سخت و بحرانی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان ایشان، به جهت دلایلی که متذکر شد، در منطقه شعب ابی‌طالب مستقر شدند. با توجه به اینکه یکی از آخرین اقدامات

قریش برای غلبه بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جلوگیری از گسترش اسلام، فشار اقتصادی اجتماعی بود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همراهان ایشان برای حراست از عده‌ای اندک از مسلمانان مستضعف و موجودیت اسلام، راهبردهایی را در پیش گرفتند. همچنین با توجه به اینکه مسلمانان حاضر در شرایط شعب، تحت تربیت مستقیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودند و محیط تربیت اسلام و نیز آیات قرآنی که بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی می‌شد، در شکل‌گیری شخصیت‌ها و اقدامات ایشان، بسیار مؤثر بود، بنابراین می‌توان از برخی اقدامات اطرافیان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به نقش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هدایت و رهبری جامعه اسلامی در مقابله با این تحریم اقتصادی پی برد. در مجموع، اقداماتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیروان ایشان در شرایط تحریم اقتصادی اجتماعی مسلمانان در شعب ابی‌طالب انجام دادند می‌توان به مواردی، چون صبر و استقامت، نقض مخفیانه و دوزدن محاصره اقتصادی، انفاق و خرج اموال، استفاده از مزیت‌های جغرافیایی شعب ابی‌طالب و استفاده از فرصت به‌دست آمده و دعوت بیشتر مردم به دین اسلام اشاره کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن اثیر، ۱۳۷۱، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
 ۲. ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارت فرهنگ و اندیشه.
 ۳. ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، بیروت: دارصادر.
 ۴. ابن هشام، عبدالملک، ۱۳۷۵، زندگانی محمد پیامبر اسلام ﷺ، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: کتابچی.
 ۵. __، ۱۳۹۲، سیرت محمد رسول الله ﷺ (از تبارشناسی تا هجرت)، ترجمه مسعود انصاری، تهران: انتشارات مولی.
 ۶. اندلسی، ابن عبدالبر، ۱۴۱۵، الدرر فی اختصار المغازی و اسیر، قاهره: وزارت اوقاف مصر.
 ۷. آلوسی، محمود شکری، بی تا، بلوغ الأرب فی معرفه أحوال العرب، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۸. البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، ۱۴۱۷، انساب الأشراف، به تحقیق ریاض زرکلی و سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
 ۹. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، ۱۳۶۱، دلائل النبوه، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۰. جعفریان، رسول، ۱۳۸۳، سیره رسول خدا ﷺ، قم: دلیل ما.
 ۱۱. رجبی دوانی، محمد حسین، ۱۳۹۳، «بررسی تاریخی دفاع اقتصادی از صدر اسلام تا کنون»، تهران: همایش دفاع اقتصادی، دانشگاه امام حسین علیه السلام.
 ۱۲. الزبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۳۰۶، تاج العروس، مصر: مطبعه الخبریه.

۱۳. زرگری نژاد، غلامحسین، ۱۳۸۴، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران: سمت.
۱۴. سیدرضی، محمدبن حسین، ۱۴۱۴، نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات ستوده.
۱۷. طوسی، محمدبن حسن بن علی بن حسن، ۱۴۰۰، النهایه، بیروت: دارالکتب العرب.
۱۸. قمی، شیخ عباس، ۱۳۷۹، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، قم: دلیل ما.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۳۶۳ش، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: اسلامیه.
۲۰. مرتضی‌العاملی، جعفر، ۱۳۸۴، سیرت جاودانه، ترجمه محمد سپهری، قاهره: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، ۱۳۷۱، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

